

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم
تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی			

### نکند مدعیان ولایت در عصر ما مانند یاران مسلم او را تنها بگذارند!

در این روزگار، مردم ما به یاد بدعهدی مردم کوفه افتاده‌اند. چقدر عبرت‌آموز است! چقدر درس‌آموز است! که افرادی نامه بنویسند، از امام حسین علیه السلام درخواست کنند، حضرت را برای رهبری و ولایت و زعامت خودشان بطلبند، با نماینده و فرستاده‌ی آن حضرت هم بیعت کنند، اما وقتی که تمنیات دنیوی مطرح می‌شود، وقتی که سگه‌های زرین عبیدالله بن زیاد یا تیغ‌های شمشیر دژخیمان او برق می‌زند، مردمی که پشت سر مسلم بن عقیل جمع شده بودند، این‌گونه او را تنها بگذارند و ایشان غریبانه در این شهر به شهادت برسند! این خیلی جای تأمل دارد!

به‌هرحال کسانی که در عصر و زمان ما مدعی ولایتند و تقاضای ظهور حجت خدا ارزواته را می‌کنند، باید راجع به اینکه می‌گوییم **عَجَلٌ عَلَى ظُهُورِكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ**، فکر کنند. نکند مثل نامه‌های کوفیان باشد؛ حضرت را دعوت می‌کنیم که تنهایشان بگذاریم! نکند دنیا ما را بفریبد و ما را از پشت سر حضرت و یاران حضرت جدا کند! هر یک به کنج منافع و آسایش خودمان بخزیم و حجت خدا ارزواته را تنها بگذاریم! محبت دنیا ما را از ولی اعظم خدا ارزواته جدا کند! این ماجرا خیلی عبرت‌آموز است! شاید برای خود ما قابل تصور نباشد! آخر چه شد؟! این مردمی که به آن شکل از امام حسین علیه السلام دعوت کردند و روز ورود مسلم بن عقیل، آن مشایعت و استقبال عجیب را از او به‌جا آوردند و آن بیعت‌ها! واقعاً چه شد که او را تنها گذاشتند؟! چیزی جز محبت دنیا نبود؛ دنیای یک عده تهدید شد و به یک عده وعده‌ی دنیا داده شد و اینها مسلم بن عقیل را تنها گذاشتند.

به خودمان برگردیم؛ ببینیم ما با محبت دنیا چگونه‌ایم؟ اگر راحت ما، آسایش ما، آزادی ما، جان ما، دنیای ما، مقام ما، ثروت ما، زن و فرزند ما تهدید شوند، آیا باز هم در مسیر دین خدا پایمردیم؟ یا نه، دچار تردید می‌شویم؟ به گوشه‌هایی می‌خزیم؟

و بدانیم دست از حمایت مسلم برداشتن، نقطه‌ی آغاز است. آنجایی که انسان به دلیل مطامع دنیوی، فقط سکوت می‌کند، چیزی نمی‌گوید، اعتراض نمی‌کند، این نقطه‌ی آغاز است. این مسیر، مسیر بسیار خطرناکی است! قدم‌های بعدی، یک‌به‌یک، در پی خواهند آمد. انسان باور نمی‌کند که سکوت امروزش، مقدمه‌ی این باشد که فردا تماشایی قتل مسلم باشد و پس فردا خود شمشیر به کمر بندد و در کربلا به جنگ اباعبدالله علیه السلام برود! این راه، راه بسیار خطرناکی است! خدای متعال ما را حفظ کند. اینکه **حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ**<sup>۱</sup> همین است. محبت دنیا اول انسان را به سکوت و سازش، محافظه‌کاری، احتیاط کردن، سینه سپر نکردن و عدم حضور در صحنه دعوت می‌کند؛ این اول راه است! اما فردا [می‌بینی] خود تو شمشیر بستی و با حقیقت دین مبارزه می‌کنی! این است که خیلی باید از این ماجرا عبرت گرفت که چه شد؟! مردمی که ادعای تشیع داشتند، ادعای ولایت داشتند، ادعای انتظار حجت زمان خودشان را داشتند، آن حضرت را به کوفه دعوت کردند، گفتند شمشیرهایمان آخته است، باغ‌هایمان سرسبز است، همه‌ی زندگیمان در اختیار شما، این‌گونه دعوت کردند و در شهر خود منتظر ظهور حجت عصر خودشان بودند، چه شد که کارشان به اینجا کشید؟! که شمشیر به کمر بستند و [شامل] همین تعبیری [شدند] که در زیارت عاشورا می‌خوانیم و کسانی را که **أَسْرَجَتْ وَ أَجْمَتْ وَ تَنَقَّبْتُ لِقِتَالِكِ**<sup>۲</sup> نفرین می‌کنیم.

---

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۳۱؛ حاوی آموزه‌های امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعة، ص ۱۳۸ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۵۸.

۲. محدث قمی، مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا؛ طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتجهّد، ج ۲، ص ۷۷۴ و ابن‌مشهدی، مزار کبیر، ص

۴۸۱ (با اندکی تفاوت).

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

اهل ولاة  
www.ahlevela.com

اهل ولاة

www.ahlevela.com

اهل ولاة